

بازبینی کلی در حوزه قوانین کشور صورت پذیرد که اصلاح قانون کار - به گونه‌ای که حامی هر دو طرف نیروی کار و کارفرما باشد - یکی از آنها است.

اقدام بعدی، رفع مشکلات بهره‌وری در عرصه عوامل تولید است. رشد شاخص بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در ایران تأسف برانگیز است. همچنین باید مدیران کشور اعم از بخش صنعتی و اجرایی در سطح کلان با علم روز دنیا آشنا شوند که راه حل آن، ارتباط با مدیران موفق صنایع جهان است. برای این کار هم باید تا آنجا که در توانمان است، خود را از اتهامات بین‌المللی مبرا سازیم. استفاده از تجربیات کشورهای موفق صنعتی از جمله ژاپن، چین، کره، آلمان و برزیل و بومی سازی آنها راهکار دیگری است که می‌تواند زمینه توسعه صنعتی کشورمان را مهیا سازد.

برنامه ریزی راهبردی

برای توسعه صنعت کشور و بکارگیری ابزارهای ترمیم کاستی‌ها، باید شناخت کافی از وضعیت و شرایط موجود داشته باشیم تا بتوانیم مناسب‌ترین راه را از میان گزینه‌های موجود انتخاب کنیم.

در این خصوص، برنامه ریزی استراتژیک و تحلیل سوات (SWOT Analysis)، کمک شایانی به شناخت وضعیت موجود می‌کند. در تحلیل سوات، با شناسایی پتانسیل‌ها، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی و تشکیل "ماتریس راهبرد"، راهکارهای دستیابی به بهترین وضعیت موجود ارائه می‌شوند. در حال حاضر، کسری بودجه، انحصارها، تحریم‌ها، فقدان شفافیت اطلاعات و فساد از مهمترین تهدیدهای اقتصاد داخلی به شمار می‌روند که باید فکری برای آنها کرد.

قطعاً با توجه به نقاط قوت کشورمان از جمله نیروی کار فراوان جوان، نخبه و ناب انسانی، منابع طبیعی بکر و اصول دموکراسی - در هر دو بخش حاکمیتی و اقتصادی - می‌توانیم تهدیدات صنعت و اقتصاد کشور را دفع کنیم و راه توسعه را برای ایرانی آباد و سرفراز فراهم آوریم. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» در رابطه با "صنعت در محاق" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

• هزینه بالای تمام شده تولید که ناشی از تورم، دستمزدهای دستوری و بهره بالای تسهیلات ارایه شده از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌باشد.

• تأمین مالی پُرهزینه از بازار آزاد به دلیل نقایص نظام بانکی و بازار سرمایه.

• رکود اقتصادی ناشی از تداوم بحران جهانی، سیاست‌های انقباضی نظام بانکی، کاهش منابع بانکی و افزایش مطالبات - به خصوص مطالبات معوق - و انعطاف ناپذیری نظام مالیاتی برای تعدیل نرخ مالیات‌ها در سیکل‌های تجاری.

• قوانین، آیین‌نامه‌ها و ضوابط دست و پاگیر که بعضاً قدمتی نزدیک به نیم قرن دارند و متناسب با نیاز صنعت امروز تغییر نیافته‌اند.

• بهره‌وری پایین عوامل تولید به خصوص نیروی کار، تخصص ناقابل و نامرتب آن و همچنین دانش پایین مدیران.

• جایگاه و نقش اندک صنایع کوچک در اقتصاد ایران.

• اقتصاد دولت محور و حضور کمرنگ بخش خصوصی و همچنین توان ناپذیر مالی این بخش و اتکای آن به منابع دولتی.

• حضور کمرنگ سرمایه گذار خارجی، تکنولوژی فرسوده و تعامل با شرکت‌های دسته چندی به دلیل تحریم‌ها و تشدید آن در سال‌های اخیر.

• عدم شفافیت اطلاعات در حوزه‌های مختلف اقتصادی کشور.

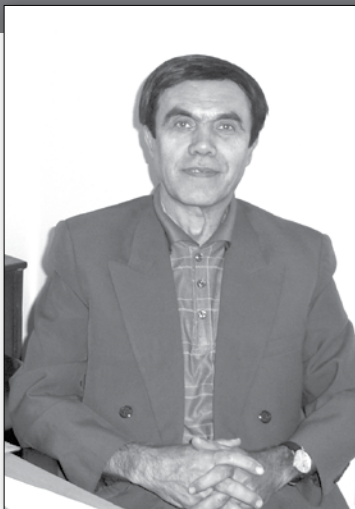
موارد فوق بخشی از مشکلات صنعت ایران به حساب می‌آیند. البته «اقتصاد ایران» در بررسی مشکلات صنعتی و تولیدی کشور سابقه‌ای طولانی دارد و مشکلات صنعت کشور را بارها کالبد شکافی نموده و راهکار ارایه کرده است، پای درد دل مدیران صنعتی بسیاری نشسته و مشکلات واحدهای صنعتی را به مسؤولان منتقل نموده است.

با توجه به مشکلات فوق، باید در درجه اول فکری به حال رکود اقتصادی موجود نماییم که راه حل آن هم بکارگیری بجا و منطقی سیاست‌های پولی و مالی از سوی بانک مرکزی و دولت است. همچنین علیرغم روند تقریباً باثبات تورم در چند ماهه اخیر که بیشتر ناشی از رکود اقتصادی و سیاست انقباضی بانک‌ها بوده است، دولت باید در قبال سیاست‌های اقتصادی خود حساسیت بیشتری به خرج دهد و البته از رفتارهای تورم ساز نظیر چاپ پول بدون پشتوانه دوری کند. همچنین باید یک

مبادلات تجاری کشورمان در صحنه بین الملل

اقتصاد، لوکوموتیو قدرت سیاسی

ارزیابی دکتر علی خرم در خصوص اوضاع و احوال هم‌پیمانان تجاری ایران



بسیار بهتری را در قیاس با کشورمان در منطقه دارد.

ترکیه در صدد است از طریق تجمع سرمایه و تکنولوژی مدرن خارجی، قدرت رقابت شرکت‌های خود را در بازارهای بین‌المللی

افزایش داده و موجبات افزایش اشتغال را برای خود فراهم آورد. به همین دلیل برای سال ۱۴۰۲ خورشیدی (۲۰۲۳ میلادی) که صدمین سالگرد جمهوری ترکیه است، هدف دستیابی به صادرات ۵۰۰ میلیارد دلاری و تبدیل شدن به یکی از ۱۰ اقتصاد برتر دنیا را - با نسبت ۳۳ درصدی صادرات به محصول ناخالص داخلی - پایه ریزی کرده است.

حجم مبادلات کشورمان در سال ۲۰۰۹، معادل ۱۳۷/۹۵ میلیارد دلار و سهم صادرات از این رقم، ۷۰/۱۶ میلیارد دلار بوده است. همچنین سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات کشور حدود ۱۴ میلیارد دلار اعلام شده است. در میان کشورهای منطقه، امارات، ترکیه و عربستان در سال ۲۰۰۹ رتبه‌های اول تا سوم بیشترین میزان تجارت خارجی را در اختیار داشته‌اند و کشور ما از این حیث در مقام چهارم منطقه جای گرفته است.

چنانچه حجم مبادلات تجاری نسبت به جمعیت سنجیده شود، امارات، قطر، بحرین، کویت، رژیم صهیونیستی، عربستان، عمان، ترکیه و ایران به ترتیب در منطقه نقش آفرین هستند که با این رده بندی، ایران در مقام نهم قرار می‌گیرد. به علاوه نباید فراموش کرد که ترکیه فاقد نفت و گاز است، اما با واردات ۲۰۴/۸ میلیارد دلاری و صادرات غیرنفتی ۱۱۱/۱ میلیارد دلاری، وضعیت

گرفته‌اند. البته درست است که تکنولوژی فرانسوی قابل قیاس با آمریکایی - که قبلاً پایه‌های صنعت ایران را پی ریزی کرده - نیست، ولی در غیاب تکنولوژی آمریکایی، تکنولوژی پژو و رنو فرانسه از سطح بالاتری نسبت به نوع چینی، کره‌ای و مانند آن برخوردار هستند.

با نگاه دیگر، باید گفت بازار ایران از آنجا که بازار تشنه و پُرجمعیتی است، نگاه هر صادر کننده‌ای را به خود جلب می‌نماید. لذا از این بابت، ایران مورد توجه همه صادر کنندگان در جهان قرار دارد. تغییر وضعیت طرف‌های تجاری کشورمان باعث تغییرات اجتناب‌ناپذیری در جایگاه منطقه‌ای و جهانی ما شده است. اولین اثر، کاهش ارتباطات ایران با اروپا و تغییر آن به سمت کشورهای در حال توسعه آسیایی و تعریف جدیدی است که از موقعیت و جایگاه سیاسی ایران مطرح می‌شود.

قبلاً صادرات کالاهای ایرانی بر اساس تکنولوژی و استانداردهای اروپایی صورت می‌گرفت و اکنون با استانداردهای پایین‌تر تولید می‌شود و تنها کشورهایی نظیر عراق و افغانستان را می‌تواند سیراب نماید. این موضوع، اثر دوم این تحولات است. کالاهای ایرانی که قبلاً مرغوب به حساب می‌آمدند، اکنون در سطح پایین‌تری نسبت به کالاهای ترکیه نگریسته می‌شوند؛ یعنی کالاهای ایرانی فرصت عرض اندام را در بازار ترکیه ندارند. مسأله سوم آن است که کشورهایی نظیر ترکیه که قرار بود به عنوان رقیب ایران برای سال ۱۴۰۴ پس زده شوند، اکنون به تأمین کننده کالاهای اصلی و باکیفیت برای بازار ایران تبدیل شده‌اند که این برای چشم‌انداز ۲۰ ساله یک فاجعه است. به عبارت دیگر، فرصت‌های سیاسی برای ترکیه، امارات، عربستان و امثالهم به وجود می‌آید، چرا که با اهرم اقتصادی با منطقه و جهان سخن می‌گویند و در حل مسایل سیاسی نقش آفرینی می‌نمایند.

عرض اندام در کلاس جهانی!

سال‌ها است که ملل مختلف جهان و استراتژیست‌های کلان کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد، مطمئن‌ترین لوکوموتیو قدرت در جهان است و از دل آن، قدرت سیاسی و حتی نظامی به وجود می‌آید. استراتژی‌های نوین چین، روسیه، هند، مالزی، ترکیه و کشورهایی از این قبیل، نشأت گرفته از این خرد جمعی است که علیرغم برخوردار بودن از قدرت عظیم نظامی و سیاسی، بالآخره راه را کج نموده و راه قدرت اقتصادی را در پیش گرفته‌اند. از قضا هیچ کدام هم اشتباه نکرده و همگی توانسته‌اند به سرعت گذشته را جبران کرده و در منطقه و جهان صاحب نفوذ شوند.

ایران با پتانسیل‌های فراوان در زمینه سیاسی و نظامی، همواره از حمایت قدرت اقتصادی خود در مضیقه بوده است و لذا نتوانسته با دست باز به یار گیری سیاسی بپردازد و نفوذ خود را در منطقه و جهان پایدار و بلامنازع سازد.

موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ایران و هر کشور دیگری، صرفاً یک بستر مناسب برای برنامه ریزی موفق به سمت هدف محسوب می‌گردد، و گر نه این موقعیت به خودی خود کشور را در دراز مدت صاحب رشد و رفاه مشعشع نمی‌نماید.

بسیاری از کشورها با همه تلاشی که برای رشد اقتصادی خود می‌نمایند، چون از بستر مناسبی برخوردار نیستند، نمی‌توانند به ماکسیمم اهداف خود برسند، ولی کشورهایی مانند ایران که کلیه امکانات برای یک جهش اقتصادی را در اختیار دارند، در صورت یک هدف گذاری مناسب و یک برنامه ریزی واقع‌گرایانه می‌توانند به ماکسیمم اهداف خود نایل آیند. بی‌شک بخشی از آنچه تاکنون در زمینه موفقیت‌های تجاری-اقتصادی نصیب ایران شده، مرهون موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک کشورمان بوده است. ■

لازم به ذکر است که صادرات غیرنفتی ترکیه شامل کالاهایی است که از استانداردهای اروپایی برخوردارند و به همین دلیل، این کشور می‌تواند بازارهای مطمئن و پایداری را برای آینده خود تضمین نماید. اما کشور ما در این زمینه با کمبودهای زیادی مواجه است. ترکیه با سیاست خارجی آرام همراه با تعامل سازنده، تشنج را در صحنه بین‌المللی از خود دور نموده و امکان سرمایه گذاری خارجی و مهمتر از آن، امکان سرمایه گذاری بخش خصوصی داخلی و اعتماد سازی را در سطح ملی فراهم کرده است.

حجم مبادلات کشورمان نسبت به حجم کل مبادلات جهانی که در سال ۲۰۰۹ معادل ۲۵ هزار و ۱۰۸ میلیارد دلار بوده نشان می‌دهد ایران در مقام چهل و یکم جهان بوده و ۰/۵۵ درصد کل تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. این ارقام همچنین نشان می‌دهند حجم مبادلات ایران چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی، رقم قابل توجهی نسبت به جایگاه و پتانسیل مهم جمهوری اسلامی ایران به حساب نمی‌آید و هنوز باید اقدامات زیادی در راستای افزایش صادرات غیرنفتی که عمدتاً کالاهای صنعتی و خدمات می‌باشند، صورت گیرند.

تحریم‌ها و تغییر چهره شرکا

یقیناً تحریم‌ها شرایطی را به اقتصاد کشورمان دیکته کرده‌اند که خود به خود به تغییرات مهمی در طرف‌های تجاری ایران منجر شده است. از قدیم‌الایام کشورهای اروپایی مهمترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شدند، اما با تغییرات سیاست خارجی کشورمان نسبت به غرب، به تدریج سهم اروپایی‌ها در تجارت ایران تغییر کرده است. این روند اگر چه نزولی بوده، لیکن تا قبل از ارجاع پرونده ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، بطئی و کند بود. پس از سال ۸۵ که اولین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران (قطعنامه ۱۶۹۹) صادر شد، حجم مبادلات کشورمان با اروپا با شتاب منفی قابل توجهی مواجه گردید و از آن به بعد، کشورهای اروپایی جای خود را به چین، روسیه، کره جنوبی، امارات، ترکیه، مالزی، اندونزی و عراق داده‌اند.

این امر نشان می‌دهد که غرب در یک سیاست نسبتاً هماهنگ، از منافع اقتصادی خود چشم پوشی کرده و اهداف سیاسی و امنیتی را در اولویت قرار داده است. این تغییر سیاست به تجارت محدود نمی‌شود، بلکه تأثیر وخیم خود را بر نوع تکنولوژی و استانداردهای صنعتی وارد شده به کشور بر جای گذاشته است که آثار آن به تدریج در صنعت و تولیدات کشور و همچنین صادرات ایران خودنمایی می‌کند. کالاهای درجه چندم چینی در غیاب رقبای غربی، بازارهای تشنه ایران را درنوردیده‌اند و با پول مصرف کننده ایرانی، مراحل آزمایشی و سعی و خطای خود را برای ارتقای کیفیت طی می‌کنند. این موهبت را ما قبلاً تقدیم ترکیه، سوریه و امارات کرده بودیم و اکنون نوبت چین و دیگر کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا است که از بازار پُرجمعیت و بدون رقیب ایران استفاده نمایند و خود را به سطح کشورهای توسعه یافته نزدیک کنند.

دوش ما و بار هزینه‌ها

طبیعتاً تغییر کالاهای آلمانی، فرانسوی و انگلیسی به کالاهای چینی، کره‌ای و مالزیایی که کیفیت و استانداردهای پایین‌تری دارند، باعث می‌شود کشورمان از یک سو قادر به تولید کالاهای باکیفیت و قابل صدور به خارج نباشد و از سوی دیگر، برای تأمین مواد اولیه و قطعات یدکی، چندین بار هزینه نماید که بار سنگین آن بر خزانه عمومی و دوش مردم تحمیل می‌شود. در همین ماه‌های اخیر، با توقف قراردادهای فرانسه با ایران، تولید پژو و زانتیا در کشور متوقف گردیده و به جای آن، اتومبیل‌های چینی، کره‌ای و هندی مورد توجه قرار